

نامه یعقوب رسول

مقدمه

این نامه از طرف یعقوب، برادر عیسیای مسیح و رهبر کلیسای اورشلیم، به تمام ایمانداران در سراسر جهان نوشته شده است.

یعقوب به کسانی که به عیسیای مسیح ایمان آورده بودند، چنین می نویسد: وقتی یک شخص به خدا ایمان می آورد، ضرور است که در گفتار و کردار نیز آن را ثابت سازد. یعقوب به طور واضح و روشن راه های عملی رفتار و زندگی مسیحی را توضیح می دهد.

یعقوب بر این نکته تأکید می کند که ایمان همراه با عمل برای دیانت بی عیب بسیار مهم است و ثمر آن در درخت حیات می تواند مشاهده شود.

فهرست موضوعات

پیشگفتار: فصل ۱:۱

ایمان و حکمت: فصل ۱:۲ - ۸

فقر و ثروت: فصل ۱:۹ - ۱۱

آزمایش و وسوسه: فصل ۱:۱۲ - ۱۸

شنیدن و عمل کردن: فصل ۱:۱۹ - ۲۷

اخطار در مورد تبعیض: فصل ۱:۲ - ۱۳

ایمان و عمل: فصل ۲:۱۴ - ۲۶

اهمیت زبان در زندگی مسیحی: فصل ۳

عواقب دلبستگی به این جهان: فصل ۴:۱ - ۵:۶

۱ از طرف یعقوب خدمتگار خدا و سرور ما عیسی‌ای مسیح به ایمانداران هر دوازده قوم خدا که در سراسر دنیا پراکنده‌اند، سلام باد.

ایمان و حکمت را از خدا طلب نمایید

۲ برادران و خواهران عزیز، وقتی که دچار آزمایشهای مختلف می‌شوید، آن را مایه خوشی بزرگ‌تان بدانید^۳ زیرا می‌دانید که وقتی خلوص ایمان شما در آزمایش ثابت شود، باعث بردباری بیشتر شما می‌گردد^۴ پس بگذارید که بردباری شما کامل شود، تا شما به یک انسان کامل تبدیل گردید، آنگاه به چیز دیگری ضرورت نخواهید داشت.^۵ اگر در بین شما کسی بدون حکمت باشد، آن را از خدا طلب نماید و خدایی که هر چیز را با سخاوتمندی به همه انسانها می‌بخشد و ملامت هم نمی‌کند، آن را به او خواهد داد.^۶ اما او باید با ایمان بخواهد و در فکر خود شک نداشته باشد، چون کسی که شک کند مانند موج بحر است که در برابر باد به این طرف و آن طرف رانده می‌شود.^۷ پس چنین شخص نباید فکر کند که از خداوند چیزی به دست خواهد آورد،^۸ زیرا کسی که در تصمیم‌های خود شک دارد، در تمام کارهایش ناپایدار است.

در فقر و ثروتمندی باید خوشی کرد

۹ ایماندار مسکین به سربلندی که خدا برایش می‌دهد، خوشی کند^{۱۰} و ایماندار ثروتمند در عاجزی خود، زیرا او مانند گلِ علف زودگذر است.^{۱۱} وقتی که آفتاب سوزان می‌تابد، آن گیاه خشک می‌شود، گل آن می‌ریزد و زیبایی آن از بین می‌رود، شخص ثروتمند نیز همین‌طور در میان فعالیت‌های خود از بین می‌رود.

خدا ما را آزمایش و وسوسه نمی کند

^{۱۲} خوشا به حال کسی که در برابر آزمایش مقاومت می کند، زیرا وقتی که از آزمایش بیرون آید تاج زندگی را دریافت خواهد کرد، تاجی را که خداوند به دوستداران خود وعده داده است. ^{۱۳} کسی که با وسوسه مواجه می گردد نباید بگوید: «خداوند مرا به وسوسه انداخته است»، زیرا خدا با هیچ بدی وسوسه نمی شود و کسی را نیز وسوسه نمی کند. ^{۱۴} اما سرچشمه وسوسه هر شخص، خواهشهای نفسانی خودش است. ^{۱۵} در نتیجه، خواهشهای نفسانی حامله می شود و گناه را به وجود می آورد و وقتی گناه کاملاً رشد کرد، باعث مرگ می شود.

^{۱۶} پس ای عزیزانم، فریب نخورید! ^{۱۷} تمام نعمتهای خوب و کامل از بالا می آیند، آنها از جانب خدا که آفریننده نور است به پایین فرستاده می شوند، خدایی که تغییر نمی کند و در او تاریکی نیست. ^{۱۸} او طبق اراده خود به وسیله کلام راستی، ما را خلق نمود تا ما اولین میوه خلقت تازه او باشیم.

در شنیدن و انجام دادن کلام خدا برکت است

^{۱۹} ای برادران عزیز! پس باید هر کدام شما با دقت بشنود و مطابق آن جواب دهد و زود عصبانی نشود. ^{۲۰} زیرا عصبانیت انسان، هدفهای عادلانه خدا را برآورده نمی سازد. ^{۲۱} پس هر نوع رفتار پلید و شرارت آمیز را از خود دور کنید. به اراده خدا تسلیم شوید و کلامی را که او در دلهای شما نهاده است با فروتنی بپذیرید، زیرا این کلام جانهای شما را نجات می دهد.

^{۲۲} کلام خدا را عملی نمایید. صرف شنونده کلام نباشید زیرا در آن صورت خود را فریب می دهید. ^{۲۳} زیرا کسی که به کلام خدا گوش می دهد، ولی آن را عملی نمی کند، مانند کسی است که فقط چهره خود را در آینه می بیند. ^{۲۴} او خود را می بیند، ولی همین که از پیش آینه دور می شود، دفعتاً فراموش می کند که چهره اش چگونه بود. ^{۲۵} اما کسی که با دقت به شریعت کامل و

آزادی بخش موسی نگاه کرده و از آن پیروی کند و شنونده فراموشکار نباشد بلکه مطابق آن رفتار کند، در تمام کارهای خود کامیاب خواهد بود.^{۲۶} اگر کسی در میان شما خود را آدم با دیانت می‌شمارد ولی زبان خود را نگه نمی‌دارد، قلب خود را فریب می‌دهد و ایمان او بیهوده است.^{۲۷} دیانت پاک و بی‌عیب در برابر خدای پدر این است که از یتیمان و بیوه‌زنان که دچار مصیبت می‌شوند، حمایت کنیم و خود را از فساد این دنیا پاک نگهداریم.

تبعیض کردن گناه است

۲ ای عزیزان! به عنوان کسانی که به سرور پر جلال ما عیسی‌ای مسیح ایمان دارید، هیچ تبعیضی در برابر مردم نداشته باشید.^۲ چنان‌که اگر شخصی با انگشتر طلا و لباس گرانبها به جمع شما بیاید و فقیری با لباس کهنه وارد شود^۳ و شما به کسی که لباس گرانبها دارد احترام بگذارید و به او بگویید: «بفرمایید، بالا بنشینید» و به شخص فقیر بگویید: «تو همین جا ایستاد باش یا در اینجا پیش پای من بنشین.»^۴ آیا با این کارتان در بین خود تبعیض قائل نمی‌شوید و آیا قضاوت شما از روی افکار پلید نیست؟

۵ ای عزیزان، گوش دهید! مگر خدا فقیران این دنیا را انتخاب نکرده است تا در ایمان خود دولتمند و وارث آن پادشاهی باشند که خدا به دوستان خود وعده داده است؟^۶ اما شما به فقیران بی‌احترامی می‌کنید. آیا ثروتمندان به شما ظلم نمی‌کنند و شما را به محکمه نمی‌کشند؟^۷ آیا آنها به آن نام نیکو که خدا بر شما نهاده است، بی‌حرمتی نمی‌کنند؟

۸ اگر شما واقعاً شریعت شاهانه خداوند را که در کلامش گفته است: «همسایه‌ات را مانند خود دوست بدار» بجا آورید، کاری نیکویی انجام می‌دهید.^۹ ولی اگر مردم را به خاطر ظاهرشان احترام می‌کنید، مرتکب گناه می‌شوید و شریعت موسی شما را به عنوان گناهکار محکوم می‌کند.^{۱۰} اگر کسی تمام شریعت را بجا آورد، ولی یکی از احکام آن را بشکند، او در برابر تمام شریعت مقصر است.^{۱۱} زیرا همان کسی که گفت: «زنا نکن» همچنان گفته است: «قتل نکن.» پس

اگر تو زنا نکنی ولی مرتکب قتل شوی، باز هم شریعت را شکسته‌ای.^{۱۲} پس مانند کسانی سخن گویند و عمل نمایند که بر اساس شریعت آزادی بخش مورد قضاوت قرار خواهند گرفت.^{۱۳} زیرا خدا بر آن کسی که به دیگران رحم نکرده است، رحیم نخواهد بود. رحمت همیشه بر داوری پیروز می‌گردد.

ایمان بدون عمل بی فایده است

^{۱۴} ای عزیزان! چه فایده دارد اگر کسی بگوید: «من ایمان دارم» ولی کاری به خاطر آن نمی‌کند؟ آیا تنها داشتن این‌گونه ایمان می‌تواند او را نجات دهد؟^{۱۵} برادر یا خواهری را تصور کنید که به لباس و غذای روزانه خود محتاج باشد،^{۱۶} ولی اگر یکی از شما به او بگوید: «به سلامتی برو، گرم و سیر باش» و چیزی را که احتیاج دارد به او ندهد، فایده گفتن این حرف چیست؟^{۱۷} همین‌طور ایمانی که با عمل همراه نباشد، مُرده است.

^{۱۸} ممکن است کسی بگوید: «تو ایمان داری و من اعمال نیک انجام می‌دهم.» حال تو برایم ایمانت را بدون اعمال نیک نشان بده و من ایمان خود را به وسیله اعمال نیک خود به تو نشان می‌دهم.^{۱۹} تو ایمان داری که خدا یکتا است، بسیار خوب. حتی ارواح شیطانی هم به این ایمان دارند و از ترس می‌لرزند.^{۲۰} اما ای نادان! آیا نمی‌دانی که ایمان بدون اعمال نیک بی فایده است؟^{۲۱} آیا پدر ما ابراهیم به خاطر عمل نیک‌اش که پسر خود اسحاق را در قربانگاه تقدیم خدا کرد، عادل شمرده نشد؟^{۲۲} پس می‌بینی که ایمان و عمل با هم یکجا کار کردند، ایمان او با عملش تکمیل گردید.^{۲۳} کلام خدا تحقق یافت که می‌گوید: «ابراهیم به خدا ایمان آورد و خدا این را برای او عدالت شمرد» و ابراهیم، دوست خدا خوانده شد.^{۲۴} پس می‌بینید که یک انسان با عملش عادل شمرده شده است، نه فقط با ایمانش.^{۲۵} همین‌طور آیا راحاب فاحشه نیز با اعمال نیک خود عادل شمرده نشد، وقتی که به قاصدان اسرائیلی پناه داد و آنها را از راه دیگر روان کرد؟^{۲۶} همان‌طور که بدن بدون روح مُرده است، ایمان نیز بدون عمل مُرده است.

زبان انسان مانند آتش است

۳ ای عزیزان! نباید همهٔ تان در کلیسا معلم باشید، زیرا می‌دانید که روز داوری برای ما معلمان سخت‌تر خواهد بود.^۲ ما همه اشتباه می‌کنیم اما اگر کسی در سخن گفتن اشتباه نمی‌کند، انسان کامل است که می‌تواند بر تمام بدن خود تسلط داشته باشد.^۳ ما به دهن اسپ، لگام و تسمه می‌بندیم تا از ما اطاعت کند و با این وسیلهٔ کوچک تمام بدن اسپ را به هر طرف که بخواهیم می‌گردانیم.^۴ همچنان به کشتیهای بسیار بزرگ ببینید که در بادهای شدید با استفاده از یک آلّه بسیار کوچک که در زیر کشتی قرار دارد، هدایت می‌شوند و به هر جا که کشتیران بخواهد، آن را می‌برد.^۵ زبان هم همین‌طور است، اگرچه عضو بسیار کوچک است اما ادعاهای بزرگ دارد. جنگلهای بزرگ را تصور کنید که با یک جرّقه می‌توانند آتش بگیرند.^۶ زبان هم مانند آتش است! دنیایی پُر از شرارت در وجود ما که تمام وجود ما را آلوده می‌سازد. زبان تمام امور زندگی ما را به آتش می‌کشاند و این آتش از دوزخ است.^۷ در طبیعت تمام حیوانات وحشی، پرنده‌گان، خزنده‌گان و ماهیها به وسیلهٔ انسان رام می‌شوند.^۸ ولی انسان هرگز نتوانسته است که زبان خود را رام سازد و زیر فرمان خود نگهدارد. زبان، شیر و رام نشدنی و پُر از زهر گُشنده است.^۹ با زبان خود خداوند یعنی پدرآسمانی را ستایش می‌کنیم و با همان زبان، انسانی را که به صورت خدا آفریده شده است، دشنام می‌دهیم.^{۱۰} از یک دهان هم ستایش شنیده می‌شود و هم دشنام! دوستان عزیز! این کار درست نیست.^{۱۱} آیا امکان دارد که از یک چشمه هم آب شیرین و هم آب شور جاری شود؟^{۱۲} ای عزیزان! آیا درخت انجیر می‌تواند زیتون و یا تاک انگور انجیر حاصل بدهد؟ همین‌طور یک چشمهٔ آب شور هم نمی‌تواند از خود آب شیرین جاری سازد.

حکمت آسمانی و حکمت دنیوی

۱۳ آیا در میان شما شخص دانا و با حکمت وجود دارد؟ اگر است، او باید گفتار و کردار نیک خود را با فروتنی و حکمت نشان دهد.^{۱۴} اما اگر شما بی‌اندازه حسادت دارید و خودخواه

هستید، به آن افتخار نکنید و برخلاف حقیقت دروغ نگوید. ^{۱۵} چنین حکمت از عالم بالا نیست بلکه حکمت دنیوی، نفسانی و شیطانی است. ^{۱۶} زیرا در جایی که حسادت و خودخواهی وجود دارد، در همانجا بی‌نظمی و هرنوع شرارت دیگر نیز موجود است. ^{۱۷} اما حکمتی که از عالم بالاست، اول پاک، بعد مسالمت‌آمیز، باگذشت، نصیحت‌پذیر، پُر از رحمت، دارای ثمرات نیکو و بی‌طرف و بی‌ریا است. ^{۱۸} پس میوهٔ عدالت از دانه‌یی سر می‌زند که به‌دست صلح‌جویان در صلح و سلامتی کاشته می‌شود.

به این جهان دل‌بسته‌گی نداشته باشید

^{۱۴} جنگها و نزاعها در میان شما از کجا برمی‌خیزند؟ آیا آنها از هوسهایی که در درون شما در جنگند، بر نمی‌خیزند؟ ^۲ شما در آرزوی چیزهایی هستید که آن را ندارید، پس به‌خاطر آن آرزو حاضر هستید که حتی آدم بکشید. طمع می‌ورزید و چون آن را به‌دست نمی‌آورید به جنگ و نزاع می‌پردازید. آنچه را که می‌خواهید ندارید چون آن را از خدا نخواستید. ^۳ اگر چنین چیز را از خدا هم بخواهید، آن را به‌دست نخواهید آورد، زیرا خواهش‌تان بیجاست و می‌خواهید از آن برای برآورده کردن هوسهای‌تان استفاده کنید. ^۴ ای خیانتکاران! آیا نمی‌دانید که دوستی با این دنیا دشمنی با خداست؟ هر که می‌خواهد دوست دنیا باشد، خود را دشمن خدا می‌سازد. ^۵ آیا گمان می‌کنید نوشته‌های پیامبران بی‌معنی است، وقتی می‌فرماید: «خدا به آن روحی که خود در دل انسان قرار داده، به شدت علاقه دارد و نمی‌تواند تمایل انسان را به چیزی جز خود تحمل نماید»؟ ^۶ اما فیضی که خدا می‌بخشد از این هم بیشتر است، زیرا کلام خدا می‌گوید: «خداوند بر ضد متکبران است اما فروتنان را فیض می‌بخشد.»

^۷ پس از خدا اطاعت کنید و در مقابل شیطان مقاومت نمایید و او از شما خواهد گریخت. ^۸ خود را به خدا نزدیک سازید و او نیز به شما نزدیک خواهد شد. ای گناهکاران، دستهای خود را بشوید. ای ریاکاران، دل‌های خود را پاک سازید. ^۹ ماتم بگیرید، گریه کنید و اشک بریزید.

خندهٔ تان به گریه و خوشی تان به غم تبدیل شود.^{۱۰} در حضور خداوند، خود را فروتن سازید و او شما را سربلند خواهد ساخت.

نسبت به یکدیگر قضاوت نکنید

^{۱۱} ای ایمانداران! نسبت به یکدیگر بدگویی نکنید. کسی که به خواهر یا برادر ایماندار خود بد بگوید و یا نسبت به او قضاوت کند، در حقیقت شریعت را بد گفته و دربارهٔ شریعت قضاوت کرده است. اگر شریعت را محکوم کنی، اطاعت کنندهٔ آن نبوده، بلکه خود را فراتر از شریعت قرار داده‌ای.^{۱۲} دهندهٔ شریعت و داور تنها خدای یکتا است. فقط او قادر است انسان را نجات دهد یا نابود سازد. پس تو کیستی که دربارهٔ همسایه خود قضاوت می‌کنی؟

از لاف زدن پرهیز کنید

^{۱۳} ای کسانی که می‌گویید: «امروز یا فردا به فلان شهر خواهیم رفت و در آنجا یک سال تجارت خواهیم کرد و سود فراوان خواهیم بُرد.»^{۱۴} اما این را نمی‌دانید که فردا چه خواهد شد. زندگی شما مانند چیست؟ زندگی شما مانند غبار است که یک لحظه ظاهر می‌شود و بعد از بین می‌رود.^{۱۵} پس شما باید بگویید: «اگر خواست خداوند باشد، زنده خواهیم ماند و چنین و چنان خواهیم کرد.»^{۱۶} اما اکنون شما در غرورتان لاف می‌زنید و همهٔ این لاف زدن‌ها گناه است.^{۱۷} بنابراین کسی که بداند نیکی چیست و نیکی نکند، گناه کرده است.

هشدار به ثروتمندان ظالم

^{۱۵} ای ثروتمندان! بروید به خاطر آن بلاهایی که بر سر شما خواهد آمد، گریه و زاری کنید.^۲ ثروت شما تباه گشته و لباسهای تان را کویه خورده است.^۳ طلا و نقرهٔ شما زنگ زده خواهد شد و زنگ زده‌گی آن شاهی خواهد گردید بر ضد خودتان و مانند آتش، بدن شما را خواهد

سوزاند. زیرا شما حتی تا این روزهای آخر هم به جمع‌آوری ثروت مصروف هستید.^۴ مزد کارگرانی را که زمین شما را درو کرده‌اند، آگاهانه نپرداخته‌اید و ناله‌های دروگران شما به گوش خداوند متعال رسیده است.^۵ شما در این دنیا به عیش و نوش پرداخته‌اید و دل‌های خود را مانند گوسالهٔ چاق برای آن روز قربانی آماده کرده‌اید.^۶ شما بالای یک شخص عادل و نیک قضاوت بد کرده‌اید و در حالی که هیچ مقاومتی نمی‌کرد، او را کشتید.

صبور باشید و دعا کنید

^۷ ای ایمانداران! تا روز آمدن سرور ما عیسی‌ای مسیح صبور باشید، همان‌گونه که دهقان برای برداشت حاصل پُر ارزش زمین، با صبر منتظر بارانهای خزان و بهاری می‌ماند،^۸ شما نیز صبور بوده و قوت دل داشته باشید، زیرا آمدن سرور ما نزدیک است.

^۹ ای ایمانداران! بر ضد یکدیگر شکایت نکنید، تا بر شما نیز داوری نشود. زیرا داور عادل آماده است که بیاید.^{۱۰} ای ایمانداران! صبر و تحمل پیامبران را که به نام خداوند سخن می‌گفتند، برای خود سرمشق بسازید.^{۱۱} ما اشخاص صبور و بردبار را خوشبخت می‌دانیم. شما دربارهٔ صبر و بردباری ایوب شنیده‌اید و کاری را که خداوند در آخر با او کرد، می‌دانید. خداوند بی‌نهایت رحیم و مهربان است.

^{۱۲} ای ایمانداران! مهم این است که سوگند نخورید، نه به آسمان، نه به زمین و نه به هیچ چیز دیگر و دقت کنید که بلی شما بلی باشد و نخیر شما نخیر، تا مورد بازخواست خدا قرار نگیرید.

دعای با اثر

^{۱۳} اگر کسی از شما در مصیبت قرار دارد، پس او باید دعا کند. اگر کسی از شما خوشحال است، سرود بخواند.^{۱۴} اگر کسی از شما مریض است، از رهبران کلیسا بخواهد تا برای او دعا کنند و به نام خداوند بدن او را با روغن مسح کنند.^{۱۵} دعایی که از روی ایمان باشد، بیمار را

شفا خواهد داد. خداوند او را از بستر مریضی بلند خواهد کرد و اگر مرتکب گناهی شده باشد، بخشیده خواهد شد. ^{۱۶} به گناهان تان پیش یکدیگر اعتراف کنید و برای یکدیگر دعا کنید تا شفا یابید. دعای شخص عادل با قدرت اثر می‌کند. ^{۱۷} الیاس یک انسان مانند ما بود. ولی وقتی از صمیم قلب دعا کرد که باران نبارد، سه سال و شش ماه در آن سرزمین باران نبارید. ^{۱۸} بعد او دوباره دعا کرد که باران ببارد و از آسمان باران بارید و زمین بار دیگر حاصل داد.

^{۱۹} ای ایمانداران! اگر کسی از شما از راه راست دور شود و شخص دیگری او را دوباره به راه راست برگرداند، ^{۲۰} این را بدانید که هرکسی یک گناهکار را از راه غلط بازگرداند، او را از مرگ نجات خواهد داد و گناهان بی‌شماری را خواهد پوشانید.